گزارش یک

زهرا چیذری

آب رفتن ذخایر استراتژیک دارو از ۶ ماه به یک ماه!

هرچند قانون بودجه ذخیره ۶ماهه را پیش‌بینی کرده‌بود، اما به دلیل عدم تخصیص اعتبارات این هدف محقق نشد و ذخایر استراتژیک دارویی فقط برای یک تا ۳ماه آینده تأمین شده‌است

در حالی که طبق قانون برنامه بودجه ذخایر استراتژیک دارویی کشور باید برای شش ماه آینده تضمین شود، چالش‌های نقدینگی و عدم تخصیص اعتبارات امسال این هدف محقق نشده‌است. حالا آنطور که رئیس سازمان غذا و دارو می‌گوید ذخایر دارویی استراتژیک کشور برای یک تا سه ماه آینده تأمین شده‌است؛ موضوعی که می‌تواند نگران‌کننده باشد و به همین‌خاطر کار به هشدارهای مجلس درباره کمبودهای دارویی رسیده‌است. با تمام اینها رئیس سازمان غذا و دارو معتقد است: «با وجود محدودیت منابع مالی و بدهی‌های انباشته دانشگاه‌ها، وضعیت کمبود دارو نسبت به سال گذشته کاهش یافته و ثبات نسبی در بازار دارو و تجهیزات پزشکی ایجاد شده‌است.»

رضا دهشیری | جوان

دارو یک کالای استراتژیک و در عین حال حساس است. اکثر کشورها نگاه ویژه‌ای به ذخایر استراتژیک کالاهای اساسی از جمله دارو دارند. معمولاً این ذخیره برای شش ماه تا یک سال در نظر گرفته می‌شود و محصولات قرار گرفته در این فهرست که عمدتاً از داروهای راهبردی به طور مثال انواع سرم یا آنتی‌بیوتیک‌ها انتخاب می‌شود، با هدف افزایش تاب‌آوری نظام سلامت، در چرخه فروش قرار نمی‌گیرند و برای اینکه تاریخ انقضای داروهای موجود در انبارها نگذرد، به طور مستمر آنها را با داروهای با تاریخ جدیدتر جایگزین می‌کنند. داشتن ذخیره استراتژیک موضوع مهمی است که با توجه به شرایط خاص کشور ما و مواجهه با تهدیدها و حوادث طبیعی و غیرطبیعی، باید مورد توجه قرار گیرد تا نظام دارویی در مقابل تکانه‌های مختلف تاب‌آوری مطلوب‌تری داشته‌باشد. از همین‌رو طبق قانون برنامه هفتم توسعه ما هم باید برای شش ماه آینده ذخایر دارویی استراتژیکمان را تأمین کنیم، اما چالش‌های مالی و عدم تخصیص بودجه این ذخیره را به یک تا سه ماه کاهش داده‌است.

ثبات نسبی در بازار دارو

طبق مصوبه لایحه بودجه ۱۴۰۴ در راستای اجرای قانون برنامه هفتم پیشرفت، سازمان غذا و دارو مکلف است در جهت ایجاد ذخیره شش ماهه داروها و ملزومات پزشکی ضروری وفق فهرست مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سطح شرکت‌های تولیدکننده، واردکننده و سطح شرکت‌های پخش (هر سطح سه ماه) ضمن انعقاد قرارداد با شرکت‌های مذکور و ثبت تعهدات طرفینی در سامانه قراردادهای مستقر در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ اضافه‌بها و سود اقلام مذکور را در سقف اعتبارات دستگاه‌های مربوط به نحوی اصلاح نماید که زیان ناشی از عدم گردش منابع مالی در دوره‌های زمانی تعیین‌شده را جبران نماید.

این مصوبه قانونی اما اجرایی نشده‌است. مهدی پیرصالحی، رئیس سازمان غذا و دارو با اشاره به الزام قانونی ذخیره‌سازی استراتژیک دارو و تجهیزات پزشکی می‌گوید: «هرچند قانون بودجه ذخیره شش‌ماهه را پیش‌بینی کرده‌بود، اما به دلیل عدم تخصیص اعتبارات این هدف محقق نشد. با مجوز مقام معظم رهبری یک میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برداشت شد که بخشی از آن برای تسویه بدهی‌های گذشته و بخش دیگر برای قراردادهای جدید اختصاص یافت.»

به گفته وی تاکنون قراردادها با شرکت‌های تولیدی نهایی شده و ذخیره‌سازی برای ۵۵۰ قلم داروی حیاتی و ۳۸۲ قلم تجهیزات ضروری در حال تکمیل است.

رئیس سازمان غذا و دارو در عین حال وضعیت بازار دارو را دارای ثبات نسبی می‌داند و معتقد است: «بسیاری از گزارش‌های کمبود دارو در کشور غیرواقعی یا ناشی از مسائل غیرمرتبط است. بر اساس آمار رسمی، کمبود دارو نسبت به سال گذشته تقریباً نصف شده‌است.»

به گفته پیر صالحی در اسفند گذشته با تخصیص منابع و اصلاح قیمت برخی داروهای تزریقی و نیمه‌جامد، حدود ۵۵ درصد بدهی‌ها تسویه شد و همین اقدام به بهبود شرایط بازار کمک کرد.

گسترش بازار سیاه

در برابر اظهارات رئیس سازمان غذا و دارو، عالیه زمانی کیاسری، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با انتقاد از نحوه تخصیص ارز به دارو و توزیع به مهر می‌گوید: «مشکلات ارزی و نابسامانی در توزیع، کمبود دارو و گسترش بازار سیاه را به‌دنبال داشته‌است.»

وی با اشاره به مشکلات واردات و توزیع دارو می‌افزاید: «ماداروهای وارداتی داریم و این واردات هم با توجه به واقعیتی که در آن هستیم، دچار فراز و فرود می‌شود و از نظر ارز و مسائل مرتبط با آن هنوز چالش‌های زیادی وجود دارد و به‌رغم ادعای بانک مرکزی اتفاق خاصی نیفتاده و تخفیفی در ماه صورت نگرفته‌است.»

از نگاه این عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس اهمیت تخصیص ارز در حوزه دارو به عنوان یکی از کالاهای اساسی بسیار بالاست، چراکه مستقیماً با سلامت مردم در ارتباط است و متأسفانه این موضوع نه برای بانک مرکزی جاافتاده و نه برای حوزه‌های ذی‌ربط، به‌رغم پیگیری‌ها و تأکید ویژه‌ای که از طرف کمیسیون بهداشت و درمان وجود داشته‌است و گزارش‌هایی در این زمینه ارائه‌شده و همچنان پیگیری‌ها ادامه دارد.

دست‌های پنهان در ماجرا

زمانی کیاسری ادامه می‌دهد: «بخشی از کمبودهای دارویی ما به نحوه توزیع دارو است و برخی موارد توزیع دارو به صورت سوداگرانه انجام می‌شود، به‌گونه‌ای که دارو سر از بازار آزاد در می‌آورد. این موضوع موجب شکل‌گیری بازار سیاه و قاچاق دارو با قیمت‌های بالاتر می‌شود.»

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس تصریح می‌کند: «گاهی وقت‌ها برخی دست‌اندرکاران حوزه‌های ذی‌ربط نیز در این روند دستی در کار دارند و این مسئله متأسفانه وجود دارد، هر چند که بعضی‌ها کلاً مدعی‌اند هیچ مشکلی وجود ندارد و همه‌چیز به‌خوبی انجام می‌شود.» بنا به تأکید وی سازمان‌ها، وزارت اقتصاد، شرکت‌های دارویی و به‌ویژه شرکت‌های تجهیزات پزشکی باید نسبت به وضعیت موجود پاسخگو باشند، چراکه شرایط در حوزه دارو وخیم است و نیاز به رسیدگی فوری دارد.

علیرضا مرندی، رئیس فرهنگستان علوم پزشکی هم به مسئله حل مشکلات دارویی اشاره و تأکید کرد: «رفع این چالش از اولویت‌های اصلی فرهنگستان است و اقدامات لازم برای بهبود وضعیت دارویی کشور باید با جدیت دنبال شود.»

وی بر لزوم اجرای سیاست‌های کلی سلامت و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین تأکید کرد و ابراز امیدواری کرد که این اقدامات نقش مؤثری در بهبود و ارتقای نظام سلامت کشور ایفا می‌کند.

گزارش ۲

رضا علیپور

مصائب تحمیلی تابعیت مضاعف

اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان، در صورت اخذ تابعیت مضاعف، تابعیت اول را لغو می‌کنند

شاید در نگاه اول گفته شود ایرانیان خارج از کشور هم ایرانی هستند و حق دارند مانند هر ایرانی از حقوقی که عموم مردم از آن برخوردار هستند، برخوردار شوند، ولی واقعیت این است که نظام قضایی کشور ما مدت‌هاست با بی‌توجهی به اجرای قانون اساسی موجب‌شده مشکلات عدیده‌ای از جانب شهروندانی که تابعیت مضاعف دارند به جامعه ایرانی تحمیل شود. مسئله مهم‌تر، تحمیل هزینه‌های اجتماعی و امنیتی ایرانیانی است که از ایران فقط یک اسم را به یدک می‌کشند و از آن‌سوی مرزها مسائل عدیده اجتماعی و امنیتی را بر ایران تحمیل می‌کنند. این قبیل مضرات از سوی خارج‌نشینان موجب‌شده بسیاری از کشورها ضمن عدم‌شناسایی تابعیت مضاعف، به محض احراز دریافت تابعیت کشور دیگر از سوی یک تبعه، تابعیت وی در کشورشان را ملغی کنند.

تابعیت، یکی از مهم‌ترین مباحثی است که در حقوق هر کشوری، از جمله حقوق ایران، به آن پرداخته‌شده و در حقوق مدنی کشور ما، تأثیر بسیاری بر قواعد و ضوابط حاکم بر احوال شخصیه، حقوق ارثیه، تکالیفی که فرد در قبال دولت متبوع خود دارد و مهم‌تر از آن روند خروج سرمایه‌ها از کشور دارد، به ویژه زمانی که فردی از تابعیت مضاعف یا دوگانه بهره‌مند باشد.

بحث تابعیت دوگانه در اغلب کشورهای جهان، مطرح بوده و طبیعی است که بسیاری از افراد خواهان آن باشند هر چند که این مسئله نیز مزایا و معایب خود را حتی برای فرد در پی دارد. تابعیت دوگانه به این معنا است که فردی، هم زمان و به صورت قانونی، شهروند دو کشور باشد، از حقوق شهروندی، در هر دو کشور، برخوردار بوده و بتواند، هم زمان، پاسپورت هر دو کشور را داشته‌باشد.

تابعیت مضاعف چیست؟

تابعیت مضاعف در عالم حقوق داخلی و بین‌الملل با دو مفهوم تابعیت و ملیت، مرتبط است. ملیت، به واسطه تولد شخص یا والدین او، در یک کشور خاص، به وی اختصاص می‌یابد که تا آخر عمر، همراه فرد بوده و قابل تغییر نیست، اما مفهوم تابعیت، به رابطه معنوی، سیاسی و حقوقی اطلاق می‌شود که سبب ارتباط شخص، به دولتی معین و مشخص‌شده و به سبب این ارتباط، حقوق و تکالیفی برای فرد و دولت متبوع، ایجاد می‌کند.

از لحاظ قانون داخلی اغلب کشورها و در قواعد حقوق بین‌الملل، امکان ترک تابعیت و اخذ تابعیت کشوری دیگر وجود دارد، همچنین البته برخی از کشورها نیز هستند که در قانون آنها امکان حفظ تابعیت و درخواست تابعیت مضاعف، به روش‌های مختلف وجود دارد.

روش‌های دریافت تابعیت مضاعف

برخی کشورها، به هیچ‌وجه به تابعیت مضاعف، اعتقادی نداشته یا در خصوص آن، محدودیت و قواعد بخصوصی دارند و بعضی کشورها، آن را صرفاً به شهروندان کشورهای خاص یا صرفاً به اشخاصی با موقعیت‌های خاص، نظیر بازیگران یا سیاستمداران مشهور، و نه به یک شخص عادی اعطا می‌کنند.

یکی از روش‌های دریافت تابعیت دوگانه در بسیاری از کشورهایی که این شیوه را پذیرفته‌اند، اقامت دائم و پذیرش تابعیت، توسط کشوری که فرد، در آن، اقامت دائم گرفته‌است. در برخی کشورها، در صورتی که فردی، حق اقامت دائم در آن کشور را داشته‌باشد، پس از طی مدت زمان مورد نظر آن کشور، به عنوان مثال، چهار سال در کانادا، می‌تواند واجد شرایط دریافت تابعیت دوگانه شود و با طی کردن مراحلی، تابعیت مضاعف، اخذ کند.

همچنین ازدواج نیز یکی دیگر از این روش‌هاست، مانند اینکه یک زن خارجی در کشوری که تابعیت مضاعف را مجاز می‌داند با یک مرد خارجی از آن کشور، ازدواج کند و قواعد ازدواج با اتباع بیگانه، رعایت شود. تولد فرزند در خاک برخی کشورها نیز می‌تواند موجب ایجاد تابعیت مضاعف شود. یک سیستم حقوقی به نام سیستم تابعیت خاک وجود دارد که در آن به دنیا آمدن در خاک کشور را ملاک اعطای تابعیت می‌داند. به عنوان مثال در آلبانی تابعیت براساس سیستم خون و در ایالات‌متحده تابعیت براساس سیستم خاک است، حال، چنانچه شخصی که پدر وی، متولد آلبانی است، در ایالات متحده و خارج از آلبانی به دنیا بیاید، دارای تابعیت مضاعف و دوگانه آلبانی - امریکایی خواهد بود.

برخی از کشورها خرید ملک را عامل اعطای تابعیت اعلام کرده‌اند. در این قانون خرید یک ملک، با حداقل ارزشی که کشور هدف برای اخذ تابعیت، تعیین می‌کند، از دیگر راه‌های اخذ و دریافت تابعیت دوگانه است.

سرمایه‌گذاری هم از دیگر روش هاست، با این توضیح که فرد، به میزان و مبلغی که کشور هدف برای اخذ تابعیت، تعیین می‌کند، در آن کشور، سرمایه‌گذاری کرده و بدین ترتیب، موفق به اخذ تابعیت آن کشور، به عنوان تابعیت مضاعف می‌شود. این امر، بیشتر به دلیل رونق اقتصادی دولت‌ها، توسط اشخاص خارجی، انجام می‌شود و اتفاقاً شاید جزو راحت‌ترین روش‌هایی است که کشورها حاضر هستند تابعیت مضاعف به شهروندان کشورهای دیگر اعطا کنند.

تابعیت مضاعف در حقوق ایران

در بررسی وضعیت و شرایط دریافت تابعیت مضاعف در حقوق ایران، نکته مهم و قابل‌توجه این است که بر اساس اصل ۴۱ قانون اساسی که مقرر می‌دارد «تابعیت کشور ایران، حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.» تابعیت مضاعف، پذیرفته‌شده نیست.

بر این اساس ایران، در خصوص اتباع خود، به تابعیت مضاعف، اعتقادی ندارد و در صورتی که شخص، تابعیت کشوری دیگر را اخذ کند، تابعیت ایرانی خود را از دست خواهد داد، اما در عمل، بسیاری از افراد، به تابعیت کشورهای دیگر درآمده ولیکن، تابعیت ایرانی خود را از دست نداده‌اند. واقعیت این است که ایران از ابتدا تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسد. شهروندان دوتابعیتی را صرفاً شهروند ایرانی می‌داند و تابعیت خارجی آنها را نادیده می‌گیرد و نه‌تنها تابعیت مضاعف فرزندان پدران ایرانی را که در کشور خارجی متولد شده و تابعیت آن کشور را کسب کرده‌اند نیز به طور رسمی نمی‌پذیرد، بلکه در عمل، مثلاً بسیاری از ایرانیان - امریکایی یا شهروندان دوتابعیتی دیگر هر دو تابعیت را حفظ می‌کنند و دولت ایران آنها را فقط ایرانی تلقی می‌کند.

کشورهایی که تابعیت مضاعف را قبول ندارند

این فقط ایران نیست که بحث تابعیت مضاعف را قبول ندارد، بلکه بسیاری از کشورهای دنیا نیز تابعیت مضاعف را ممنوع کرده‌اند و آن را به رسمیت نمی‌شناسند و البته در خصوص آن سیاست‌هایی نیز اندیشیده‌اند. بر اساس قوانین بین‌المللی و ملی، حدود ۵۰ تا ۶۰ کشور چنین سیاستی دارند. لیست برخی از این کشورها براساس قاره‌های آنها اینگونه است. در قاره آسیا کشورهای چین، هند، اندونزی، ژاپن، مالزی، میانمار، نپال، سنگاپور، فیلیپین، تایلند، ویتنام، کره شمالی، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، افغانستان و آذربایجان تابعیت مضاعف را قبول ندارند. در قاره آفریقا کشورهای اتیوپی، غنا، کنگو (دموکراتیک)، جیبوتی، کنیا، لیبی، تانزانیا و زیمبابوه تابعیت مضاعف را قبول ندارند. این مسئله در اروپا نیز وجود دارد و کشورها آندورا، اتریش، لیختن‌اشتاین، موناکو، مونته‌نگرو، اسلواکی، اوکراین، موناکو و واتیکان تابعیت مضاعف را قبول ندارند. این کشورها معمولاً تابعیت مضاعف را ممنوع می‌دانند و ممکن است جریمه، مسئولیت کیفری یا از دست دادن تابعیت را اعمال کنند.

در بسیاری از این کشورها، اگر فردی تابعیت کشور دیگری را کسب کند، تابعیت اصلی (کشور اول) به طور خودکار یا اجباری از دست می‌رود. برای مثال در چین اگر شهروند چینی تابعیت خارجی کسب کند، تابعیت چینی به طور خودکار سلب می‌شود. در هند، هندی‌هایی که تابعیت مضاعف دارند، پاسپورت خود را تحویل می‌دهند و دفترچه اقامت دائم می‌گیرند که به وسیله آن هر چند می‌توانند مثلاً خانه هم خریداری کنند ولی مثلاً نمی‌توانند رأی بدهند و به عنوان هندی overseas شناخته می‌شوند. ژاپن و سنگاپور قوانین مشابهی دارند و تابعیت اصلی افراد در صورت کسب تابعیت دوم سلب می‌شود. در عربستان سعودی و کویت نیز تابعیت مضاعف ممنوع است و کسب تابعیت خارجی می‌تواند منجر به سلب تابعیت اصلی شود. با این حال، در برخی کشورها مانند هلند یا نروژ، استثناهایی وجود دارد و سلب تابعیت همیشه خودکار نیست.

تعارف را کنار بگذاریم

با وجود همه این مواردی که بیان شد، تنها قانون اساسی ایران در مورد بحث تابعیت مضاعف تعیین تکلیف کرده و فرد از تابعیت ایرانی محروم می‌شود، بلکه حتی ماده ۹۸۹ قانون مدنی نیز تأکید دارد «هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد، تبعیت خارجی او کأن لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود، ولی در عین حال کلیه اموال غیرمنقوله او با نظارت مدعی‌العموم محل به فروش می‌رسد و پس از وضع مخارج فروش، قیمت آن به او داده خواهد شد و به علاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.» اما به نظر می‌رسد چون از ابتدا این قانون به درستی اجرا نشده بعد از انقلاب نیز این رویه ادامه پیدا کرده، در حالی که همانطور که گفته شد، بسیاری از کشورهای پیشرفته به اهمیت لغو تابعیت در شرایط تابعیت مضاعف پی برده و آن را به دلایل گوناگون مادی و امنیتی نمی‌پذیرند. فارغ از اینکه متأسفانه در بسیاری از موارد جاسوسانی که در ایران دستگیر می‌شوند، تابعیت مضاعف یک کشور متخاصم را نیز دارا هستند، از سوی دیگر این موضوع از نظر اقتصادی به شدت به ضرر کشور است؛ مثلاً سال گذشته بود که خبر به قتل رسیدن خواننده‌ای مشهور به مهرداد نیویورک که تابعیت امریکایی داشت و برآورد می‌شد اموال و املاک وی در کشور ارزشی بالغ بر ۴هزار میلیارد تومان داشته در صدر خبرها آمد.

متأسفانه فارغ از مسائل امنیتی بی‌توجهی به لغو تابعیت ایرانی افراد دارای تابعیت مضاعف موجب‌شده ایران صرفا محلی برای کسب درآمد برای آنها شود و پس از کسب درآمدهای هنگفت با روش‌های مختلف قوانین مالیاتی و گمرکی کشور را دور زده و هزاران هزار میلیارد تومان را از کشور خارج کنند. گفتنی است مالکان بسیاری از خانه‌های بالای شهر تهران که اتفاقاً به دلار مورد اجاره یا خرید و فروش قرار می‌گیرند، افرادی هستند که یا اصلاً در ایران حضور ندارند یا حداکثر سالی یکبار برای سرکشی به اموال خود و استفاده از مزایای دیگر ایران مانند هزینه‌های درمانی نسبتاً رایگان به کشور بر می‌گردند، در حالی که اگر تابعیت این افراد لغو شده‌بود، مجبور بودند فارغ از کسب ویزای ایرانی برای ورود به کشور، اموالی را که در ایران دارند، نیز به فروش برسانند و عملاً دست افرادی که از خارج از کشور در امور مالی، امنیتی، فرهنگی و سیاسی کشور دخالت می‌کنند، قطع می‌شد. طبیعتاً اکثر ایرانیانی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند، عرق ملی به این کشور دارند، ولی همانطور که گفته شد، این نادیده گرفتن قانون اکنون در حال وارد کردن خسارت بسیار به کشور است، بنابراین لازم است یکبار برای همیشه در این خصوص تعارف را کنار بگذاریم و به سرعت در مورد آن چاره‌اندیشی شود.

طریق علی (ع)

مهدی مولایی

از عزل ناکارآمدها نهراسید!

این روزها دولت چهاردهم جمهوری اسلامی نخستین هفته‌ها از ورود به سال دوم خود را پشت‌سر می‌گذارد. یک سال نخست فعالیت همواره برای هر دولتی، زمان تجربه‌اندوزی، آزمون تصمیم‌ها و شناخت دقیق‌تر از ظرفیت‌ها و ضعف‌های دولت است. طبیعی است که بخشی از این دوره با آزمون و خطا همراه بوده باشد. با این حال، اکنون که افق تازه‌ای پیش رو است، انتظار مردم و نخبگان آن است که مجموعه دولت، با انسجام و توانمندی بیشتر، گام‌های خود را در مسیر خدمتگزاری بردارد و در این راه، از اصلاحات ضروری و تغییرات مدیریتی نهراسد.

بی‌گمان، اداره کشور در شرایط پیچیده اقتصادی و سیاسی کنونی، بیش از هر زمان دیگری نیازمند مدیرانی است که علاوه بر سلامت و صداقت، از کارآمدی، تدبیر و مهارت کافی برخوردار باشند. دولت چهاردهم نیز در یک سال گذشته به لطف خدا و حسب تأییدات رهبر انقلاب، با رئیس‌جمهوری پرتلاش و برخی مدیران کارآمد و شایسته توفیقاتی در اداره کشور کسب کرده که لایق حمایت عمومی جامعه و نخبگان از دولت بوده‌است. هیچ دولت و حاکمیتی اما هیچگاه خالی از نقایص و ایرادات نیست که اصلاح فوری و بی‌تعلل آنها به چالاکی و موفقیت دولت کمک بیشتری خواهد کرد.

در یک‌سال گذشته برخی اظهارنظرها، تصمیم‌ها و حتی رفتارهای عملی از سوی شماری از مسئولان دولت، نه تنها موجب ارتقای اعتماد عمومی نشد، بلکه در مواردی به سلب اطمینان و نگرانی‌های تازه دامن زد. گاه سخنانی نسنجیده در حوزه اقتصاد، یا تصمیم‌هایی عجولانه در عرصه فرهنگ و اجتماع، افکار عمومی را آزرده و سرمایه اجتماعی دولت را خدشه‌دار کرده‌است. آقای پزشکیان نیز با چند عزل و برکناری در پی اقدامات ناشایست و لغزش‌های بعضی مسئولان دولتی به خوبی نشان داده‌اند که در اداره دولت با کسی تعارف ندارند. در همین چندوقت اخیر برخی ناکارآمدی‌ها و اهمال‌ها در تصمیمات اقتصادی، اشکالات و ضعف در سیستم حمل‌ونقل و راه‌ها، انتشار مجدد برخی فیش‌های حقوقی نجومی، اظهارات نسنجیده بعضی مسئولان دولتی، ناهماهنگی و ضعف در برنامه‌های فرهنگی نظیر آنچه در برگزاری یک کنسرت عمومی در میدان آزادی رخ داد و اعتماد عمومی را مخدوش نمود و بسیاری لغزش‌ها و بی‌تدبیری‌ها که قطعاً خود بر آن واقف‌تر هستید، انتقادات عمومی جامعه و نخبگان را به دنبال داشته‌است.

در چنین شرایطی، صراحت در اصلاح و قاطعیت در برکناری، نشان‌دهنده ضعف و تزلزل نیست، بلکه نشانه‌ای از عزم و صداقت دولت در پایبندی به اصول حکمرانی صالح است. شخص آقای رئیس‌جمهور از نخستین روزهای داوطلبی این منصب و تبلیغات و مناظرات خود، سیره عملی امیرالمؤمنین علیه‌السلام را الگوی حاکمیتی دولت خود معرفی نمودند. با مروری کوتاه بر تاریخ حکمرانی حضرت با نمونه‌های فراوانی از قاطعیت و صراحت امیرالمؤمنین در اصلاح بدنه دولت و عزل برخی کارگزاران مواجه می‌شویم. ایشان کمیل بن زیاد را که مردی صالح و باتقوا و پاکدست بود، به دلیل ناتوانی در حکمرانی صحیح و دفع هجمه‌های دشمن از کارگزاری شهر هیت عزل فرمودند. همچنین منذر بن جاروت را که در حکمرانی خود مرتکب خیانتی شده‌بود، عزل فرموده و طی نامه‌ای به وی او را اینطور بازخواست کردند «همانا شایستگی پدرت، مرا نسبت به تو خوشبین کرد و گمان کردم که همانند پدرت می‌باشی و راه او را می‌روی؛ ناگهان به من خبر دادند که در هواپرستی، چیزی فروگذار نکرده و توشه‌ای برای آخرت باقی نگذاشته‌ای و دنیای خود را با تباه کردن آخرت، آباد می‌کنی و برای پیوستن به خویشاوندانت، از دین خدا بریده‌ای. اگر آنچه به من گزارش شده، درست باشد، شتر خانه‌ات و بند کفشت از تو با ارزش‌ترند».

گاه حتی برخی از عزل‌های صورت گرفته در دولت امیرالمؤمنین نه به دلیل خطا و کوتاهی آن مسئول در اداره امور، بلکه به این دلیل بوده‌است که حضرت با رصد دائمی فعالیت کارگزاران، برخی مسئولان را برای دیگر مناصب مفیدتر تشخیص داده و اقدام به جابه‌جایی آنها فرموده‌اند. نظیر آنچه در جابه‌جایی محمدبن‌ابی‌بکر از ولایت مصر و جایگزینی مالک اشتر رخ داد. «به من خبر داده‌اند که از فرستادن مالک اشتر به سوی محل فرمانداری‌ات، ناراحت شده‌ای. این کار را به دلیل کند شدن و سهل‌انگاری‌ات یا انتظار کوشش بیشتری از تو انجام نداده‌ام. اگر تو را از فرمانداری مصر عزل کردم، فرماندار جایی قرار دادم که اداره آنجا بر تو آسان‌تر و حکومت تو در آنجا خوش‌تر است». تاریخ دولت کوتاه امیرالمؤمنین مملو است از چنین اقدامات قاطع و بی‌تعللی که هر جایی کم‌کارآمدی و نیاز به عزل یا جابه‌جایی به چشم آمده حضرت باتصمیم صریحی، فوراً به اصلاح وضعیت پرداخته‌اند.

بی‌تردید، جامعه بیش از آنکه انتظار معجزه داشته‌باشد، چشم به صداقت و شجاعت دارد. مردم می‌خواهند بدانند که در برابر ناکارآمدی‌های احتمالی، دولتشان سکوت نمی‌کند و در برابر خطا، بی‌عمل نمی‌ماند. این شجاعت، میراثی است که از سیره امیرالمؤمنین به دست ما رسیده و می‌تواند چراغ راه امروز باشد.

جناب آقای دکتر پزشکیان؛ اکنون زمان آن است که با بازنگری دقیق در عملکرد مسئولان و مدیران کلیدی، تصمیم‌های قاطع اتخاذ کنید. برکناری به موقع یا جابه‌جایی برخی مسئولان به پست‌های مناسب‌تر، نه پایان یک راه، بلکه آغاز اصلاح و زمینه‌ساز تحرک تازه‌ای در دولت خواهد بود. مردم با تمام سختی‌ها همچنان امیدوارند؛ امیدی که باید با تدبیر و شجاعت شما پاس داشته می‌شود.

خبر کوتاه

■ وزیر آموزش و پرورش گفت: سهم فعالیت‌های تربیت بدنی و سلامت در توسعه عدالت آموزشی با ایجاد ۲هزار و ۸۰۰ فضای ورزشی محقق شده که هزارو ۶۰۰ از این فضا چمن‌های مصنوعی است.

■ وزیر دادگستری گفت: برنج پاکستانی با ارز ترجیحی باید ۷۰هزار تومان فروخته‌شود، اما در بازار تا ۱۴۰هزار تومان هم عرضه می‌شود. پرونده‌هایی در این زمینه با اتهام «اخلال در نظام اقتصادی» از سوی تعزیرات به دادسرای تهران ارسال شده‌است.

■ مدیرکل مبارزه با موادمخدر ستاد مبارزه با موادمخدر گفت: سالانه به طور میانگین ۱۰۰ نوع موادمخدر نوظهور از سال ۲۰۱۵ به بعد شناسایی شده و اکنون تعداد این نوع موادمخدر نوظهور به ۱۳۹۱ نوع در جهان رسیده‌است.

■ طرح ملی «یاس» با هدف ارتقای کیفیت زندگی دختران مجرد بالای ۲۰ سال، آموزش مهارت‌های امدادی و تقویت سلامت روانی را در دستور کار خود قرار داده‌است. کمیته امداد امام‌خمینی (ره) با همکاری جمعیت هلال‌احمر، از سال ۱۴۰۰ طرح ملی «یاس» (یاران آینده‌ساز) را برای توانمندسازی و ارتقای کیفیت زندگی دختران مجرد بالای ۲۰ سال پایه‌گذاری کرد.

■ وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، از افزایش ۳۰ درصدی سهم پارک‌های علم و فناوری و شرکت‌های مستقر در آن، در فروش داخلی و صادرات خبر داد.

■ معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش از پیش‌بینی برنامه‌های آغاز سال تحصیلی دانش‌آموزان با نکوداشت یاد شهدای ۱۲ روزه خبر داد.

■ معاون محیط‌زیست طبیعی اداره کل محیط‌زیست استان تهران از ساخت نیروگاه بدون مجوز در قلب پارک ملی خجیر خبر داد.